

عوامل کاهش روزی

مهدی عزیزان



اسلام و فقر

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «اللَّهُمَّ اخْشِرْنِي فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» خداوندا! روز قیامت مرا با مستمندان محشور فرما» و نیز آن حضرت درباره گرامی داشتن فقرا می فرماید: «مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ»^۲ هر کس، فقیر مسلمانی را گرامی دارد، روز قیامت، خداوند را ملاقات کند، در حالی که از وی راضی است.»

چه بسا آنان که از حکمت تعالیم انبیا و وصایای آنان، آگاه نیستند، با دیدن موارد مذکور، شتابزده قضاوت

کرده، ادیان آسمانی را به اعراض از دنیا و ترغیب افراد به فقر، متهم کنند؛ در حالی که پیامبر اکرم ﷺ در موارد زیادی، فقر را همسان کفر دانسته، از آن به خدا پناهنده می شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، فَقَالَ رَجُلٌ: أَيْغَدِلَانِ؟ قَالَ: نَعَمْ»^۳ خدایا از کفر و فقر به تو پناه می برم، مردی گفت: آیا این دو در کنار هم هستند؟ پیامبر ﷺ فرمود: بله.» و

۱. میزان الحکمة، (۴ جلدی)، محمد محمدی ری شهری، قم، دار الحدیث، اول، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۴۲.
۲. همان، ص ۲۴۴۶.
۳. همان، ۲۴۳۸.

مطلب مذکور تفاوت دارند، باید با توجه به این روایاتی که فقر را مذموم می‌دانند، معنا شوند.

مطالعه تاریخ زندگی پیامبران، امامان و اولیای خدا نیز نشان می‌دهد که آنان برای تسکین آلام و کاهش پریشانی تهیدستان، زندگی شخصی خود را در سطح ایشان، قرار می‌دادند؛ ولی در صدد بودند با فکر و تدبیر، نیازمندی را محو، و زندگی شرافتمندانه را برای همه پدید بیاورند.

فقر، پدیده‌ای تحمیلی

از دیر زمان، صاحبان قدرت و ثروت به اشکال مختلف، با تراشیدن فلسفه‌های گوناگون کوشیده‌اند تا این باور را رواج دهند که امکانات و منابع جامعه، محدود و نیازهای بشر نامحدود است. بنابراین به‌طور طبیعی، عده‌ای از دسترسی به نیازمندیهای زندگی، محروم خواهند بود؛ پس

در روایتی، علت آن را چنین بیان می‌کند: «لَوْلَا رَحْمَةُ رَبِّي عَلَيَّ فَقُرَاءُ أُمَّتِي كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛^۱ اگر رحمت [و شفقت] پروردگارم شامل فقیران امتم نبود، نزدیک بود که فقر، [باعث] کفر شود.»

و در دعای دیگری فرموده است: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تَفْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ، فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَلَا صُمْنَا وَلَا أَدِينَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عَزَّ وَجَلَّ؛^۲ خداوند! در نان برای ما بابرکت قرار ده، و میان ما و نان جدایی مینداز که اگر نان نبود، نماز نمی‌گزاردیم و روزه نمی‌گرفتیم و دیگر واجبات پروردگار عزیز و جلیل را انجام نمی‌دادیم.»

چگونه فقر می‌تواند محبوب پیامبر ﷺ باشد؛ در حالی که آن حضرت از جناب ابراهیم خلیل عليه السلام چنین نقل می‌کند: «يَا رَبِّ! الْفَقْرُ أَشَدُّ مِن نَّارٍ نَمْرُودُ؛^۳ پروردگار! فقر از آتش نمرود، سخت‌تر است.»

همچنین خود آن بزرگوار می‌فرمود: «الْفَقْرُ أَشَدُّ مِن الْقَتْلِ؛^۴ فقر، سخت‌تر از مرگ است.»

بنابراین اگر روایاتی در ظاهر با

۱. همان.

۲. الحیاء، محمدرضا، محمد و علی حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۹۱ و ۲۹۲.

۳. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۴۴۲.

۴. همان، ص ۲۴۴۱.

محل رفت و آمدش را می‌داند، همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است.»

مرحله دوم: خداوند به عنوان یک سنت همیشگی اعلام کرده است که به هیچ وجه از وعده خود تخلف نمی‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾؛^۱ «به یقین خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند.»

مرحله سوم: خداوند، راه کسب روزی را نمایانده و به انسانها پیام داده است که خزاین رزق، همه به دست خداست و او اندازه روزی همگان را می‌داند: ﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّمُوزُونَ * وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَنْتُمْ لَهُوِ بَرَازِقِينَ * وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾؛^۲ «و زمین را گسترديم و در آن کوههای ثابتی افکنديم و از هر گیاه موزون در آن رویانیدیم، و برای شما انواع وسایل

پسندیده آن است که هر کس به هر آنچه طبیعت به او عطا کرده است، راضی باشد و بپذیرد که گرسنه ماندن عده‌ای، بهتر از فقر عمومی است.

سرانجام، این‌گونه افراد چنین نتیجه می‌گیرند که نه فقرا به دیده ظلم و خیانت به اغنیا بنگرند و نه اغنیا از حضور تهیدستان و محرومان، آزرده خاطر شوند؛ چون در مسابقه‌ای که یک جایزه بیشتر ندارد، تنها یک نفر کامیاب خواهد داشت.^۱

خداوند متعال، طی آیات متعددی، تفکر «فقر طبیعت» را باطل دانسته، ریشه همه بدبختیها را، نه در کمبود امکانات و محدود بودن طبیعت، بلکه در اعمال زشت و ظالمانه انسانها می‌داند. این آیات را در پنج مرحله، می‌توان تقسیم کرد:

مرحله اول: خداوند بی‌همانند، وعده داده است که روزی هر جنبنده‌ای را فراهم می‌کند: ﴿وَمَا مِنْ ذَاتِةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾؛^۲ «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست؛ مگر اینکه روزی او بر خداست. او قرارگاه و

۱. برای بررسی این قبیل نظریات ر.ک: ظهور و سقوط لیبرالیسم، آنتونی آربلاستر، ترجمه عباس مخبر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۳۷۴-۳۹۰.

۲. هود/۶.

۳. رعد/۳۱.

۴. حجر/۱۹-۲۱.

بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي
عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^۲؛ «فساد در
خشکی و دریا به سبب کارهایی که
مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است.
خدا می‌خواهد نتیجه بعضی اعمالشان
را به آنها بچشانند، شاید (به سوی حق)
بازگردند.»

نتیجه اینکه، خداوند، طبق تعالیم
اسلام و قرآن، وعده کرده است روزی
همه موجودات را برساند و این کار را
انجام داده است و هرگونه کاستی و
کمبود، ناشی از اعمال و رفتار
انسانهاست. بنابراین تنگدستی
گروهی از انسانها، نه به خست طبیعت،
بلکه به رفتار خود آنان یا گروهی دیگر
از بنی آدم مرتبط است و پدیده
تهیدستی، نه حقیقتی ذاتی و حتمی،
بلکه پدیده‌ای عارضی و تحمیلی
است.

بر همین اساس است که امام
علی علیه السلام فرمود: «مَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ
غَنِيٌّ»^۳؛ هیچ فقیری گرسنه نماند؛ مگر

زندگی در آن قرار دادیم؛ هم چنین
برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها
روزی دهید. هیچ چیزی نیست مگر
اینکه خزاین آن نزد ماست و ما آن را
جز به اندازه معین، نازل نمی‌کنیم.»

مرحله چهارم: به انسانها خیر داده
است، هر آنچه برای زندگی لازم
دارید، به اندازه فراوان آماده است:
«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا
لَكُمْ... * وَأَنْتُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا
نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا»^۱؛ «خداوند،
همان کسی است که آسمانها و زمین را
آفرید و از آسمان، آبی فرستاد و با آن
میوه‌ها [ی مختلف] را برای روزی شما
[از زمین] بیرون آورد... و از هر چیزی
که از او خواستید (نیازمند بودید) به
شما داد و اگر [بخواهید] نعمتهای خدا
را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید
کرد.»

مرحله پنجم: در این مرحله،
پروردگار عالمیان، روشن ساخت که
اگر فساد و بدبختی به وجود می‌آید،
نتیجه اعمال ناشایست خود
انسانهاست: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

۱. ابراهیم/۳۲-۳۴.

۲. روم/۴۱.

۳. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، حکمت

برای هر یک از آنها دارد، از حوصله این نوشته خارج است. هدف این نوشتار، بیان عوامل فردی کاهش نعمت است.

عوامل فردی کاهش روزی

با مراجعه به آیات و روایات، مشاهده می‌کنیم که عواملی، همچون: بیکاری، تنبلی، بی‌تدبیری، اخلاق بد، گناه و... از عوامل کاستی رزق هستند. نکته جالب توجه آن است که با مقایسه عوامل افزایش دهنده و کاهش دهنده روزی، بسیاری از آنها در نقطه مقابل و متناظر با یکدیگر قرار دارند؛ برای مثال، کار و تلاش، سبب افزایش و بیکاری و تنبلی سبب کاهش آن قلمداد شده است. همچنین عوامل متقابلی، چون: ازدواج و زنا، توکل بر خدا و بر مردم، اخلاق خوب و بد، امانتداری و خیانت در امانت و....

پیش‌تر طی مقالاتی درباره هر

آنکه توانگری از دادن حق او ممانعت کرد» و همچنین فرمود: «إِنَّ النَّاسَ مَا أَفْتَقَرُوا وَلَا اِخْتَأَجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ»^۱ همانا مردم جز به اثر گناه ثروتمندان، فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نمی‌شوند.

عوامل فقر

از قرآن و روایات استفاده می‌شود، عوامل متعددی در پدید آمدن فقر نقش دارد. برخی از این عوامل، اختیاری و برخی غیراختیاری است؛ چنان‌که برخی مربوط به جامعه و برخی مربوط به فرد است.

مهم‌ترین عامل نیازمندی، ساختار ناسالم نظام اقتصادی حاکم بر جوامع و وجود روابط ظالمانه بین افراد است. برخی عوامل به وجود آمدن نظامهای اقتصادی ناسالم عبارت‌اند از: مالکیت خصوصی نامحدود، آزادی اقتصادی نامحدود، توزیع ناعادلانه درآمد، رواج گناه و اعمال ناشایست و بی‌اعتنایی به نیازمندان.

شرح این عوامل و بیان راه‌حلهایی که سیستم اقتصادی اسلام

۳۲۰

۱. الحیاء، محمدرضا حکیمی - علی حکیمی، ترجمه احمد آرام، نشر دلیل ما، بی‌جا، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۲۹.

فَتَكُونُ كَلًّا عَلَىٰ غَيْرِكَ؛^۲ در معیشت خود، کسالت و تنبلی پیشه مکن، در غیر این صورت، سربار دیگران خواهی شد.»

امام علی علیه السلام در تشبیه لطیفی، فقر را محصول ازدواج بی حوصلگی و ناتوانی بر شمردند: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ ازْدَوَجَتْ اِزْدَوَجَ الْكَسَلِ وَالْعَجْزُ فَتَنْجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ؛^۳ هنگامی که اشیا با یکدیگر ازدواج کردند، کسالت و ناتوانی با هم ازدواج کردند و از آنان فقر متولد شد.» یکی از مصادیق کسالت، خواب بین الطلوعین است که افزون بر آثار منفی بر جسم، سبب کاهش نعمت نیز می شود: «نَوْمُ الْغَدَاةِ مَشْوُومَةٌ تَطْرُدُ الرِّزْقَ وَتَصْفِرُ اللَّوْنَ وَتَغْبِطُهُ وَتَغَيِّرُهُ... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُقَسِّمُ الْأَرْزَاقَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّا كُمْ وَتِلْكَ النَّوْمَةُ؛^۴ خواب صبح (بین طلوع فجر تا طلوع خورشید) شوم است و باعث طرد رزق، زشتی و

یک از عوامل فراینده روزی در مجله مبلغان به تفصیل سخن گفته ایم، در این بخش برای رعایت اختصار و با تکیه بر توضیحات پیش گفته، عوامل کاهنده رزق، به طور گذرا بیان می شود.

۱. بیکاری و تنبلی

همچنان که کار و تلاش، عامل افزایش نعمت است؛ تنبلی، کسالت و تن پروری، عامل تنگدستی است. بنا به فرموده امام صادق علیه السلام: «مَنْ كَسَلَ عَنْ طَهْرِهِ وَصَلَاتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِمَنْ آخِرَتِهِ وَمَنْ كَسَلَ عَمَّا يَصْلَحُ بِهِ أَمْرٌ مَعِيشَتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِمَنْ دُنْيَا»؛^۱ کسی که نسبت به پاکیزگی و نماز خود، تنبلی و کسالت ورزد، در او خیری برای آخرتش نیست، و کسی که نسبت به انجام اموری که معاشش را اصلاح می کند تنبلی ورزد، در او خیری برای دنیایش نیست.»

همچنین آن حضرت، یاران و پیروان خود را از این امر بر حذر داشتند که در تأمین معاش خود وابسته و سربار دیگران باشند و آنان را به جنبش و فعالیت برای تأمین رزق خود دعوت کردند: «وَلَا تَكْسِلْ عَنْ مَعِيشَتِكَ

۱. وسائل الشیعه (۳۰ جلدی)، حرّ عاملی، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، دوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۷، ص ۵۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶۰.

۴. مکارم الاخلاق، طبرسی، بی جا، منشورات الشریف الرضی، ششم، ۱۳۹۲ ق، ص ۳۰۵.

بی برنامگی در زندگی، باعث تهیدستی می شود.

امام علی علیه السلام همین نکته را از جمله عوامل فقر آور دانسته اند. «وَتَزَكُّ التَّقْدِيرِ فِي السَّمْعِيَّةِ يُورِثُ الْفَقْرَ»^۲ «[برنامه ریزی نکردن و] عدم اندازه گیری در معاش، موجب فقر می شود.»

همچنین آن امام همام می فرماید: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ يَنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ وَشَوْءُ التَّدْبِيرِ يَفْنِي كَثِيرَهُ»^۳ برنامه ریزی نیکو در امور [اقتصادی]، مال اندک را افزایش می دهد و برنامه ریزی بد، مال فراوان را نابود می کند.»

۳. توکل بر غیر خدا

رزق همه مخلوقات به دست خالق رازق است. افرادی که نیازهای خود را از سرچشمه و مبدأ آن جويا شوند، به آن می رسند؛ اما آنان که آن را نزد مخلوقات بجویند، به جای آب به

زردی چهره و تغییر آن می شود... خداوند، ارزاق را بین طلوع فجر تا طلوع خورشید تقسیم می کند. از خوابیدن در این هنگام پرهیز کنید. در تأمین معاش خود نه تنها نباید زحمت خود را بر دوش مردم انداخت؛ بلکه نباید تنبلی و کسالت در امر کسب معاش ورزی، فرد را وادار کند تا دعا را جایگزین فعالیت در این زمینه سازد؛ زیرا چنین دعایی هرگز مستجاب نخواهد شد:

امام صادق علیه السلام فرموده است: «ثَلَاثَةٌ تَرُدُّ عَلَيْهِمْ دَعْوَتَهُمْ... وَرَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَقَالَ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي فَيَقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى طَلَبِ الرِّزْقِ؟»^۱ دعای سه گروه مستجاب نخواهد شد:... و دعای مردی که در خانه خود بنشیند و بگوید: خدایا! روزی مرا برسان. پس به او خطاب شود: آیا راهی برای تأمین رزقت، قرار نداده ام؟»

۲. بی برنامگی

همچنان که تدبیر و برنامه ریزی در زندگی، نشان کمال شخصیت آدمی و از اسباب فزونی روزی است، در نقطه مقابل آن، بی تدبیری و

۱. کافی (۸ جلدی)، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا، دار الکتب الاسلامیة، سوم، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۵۱۱.
 ۲. خصال، شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، بی تا، ص ۵۰۴.
 ۳. الحیة، ج ۴، ص ۴۸۸.

خداوند، سبب‌ساز و سبب‌سوز است. اگر فردی در انجام کارهایش بر او توکل کند، علل و اسباب کارهای او را فراهم می‌کند؛ اما اگر شخصی به جای خالق اسباب، به خود اسباب چنگ زند، از کارآیی کامل اسباب و وسایل نیز محروم خواهد شد.

درخواست از خداوند، کلید خزاین رحمت الهی است که با آن می‌توان گنجینه‌های نعمت خداوند را گشود و از مواهب آن برخوردار شد. در نقطه مقابل؛ خواهش و درخواست از مردم، باعث بسته ماندن گنجینه‌های رحمت بر روی انسان و برخوردار نشدن او از نعمتهای خداوند است. کسی که درهای رحمت الهی را با دعا نگشاید، تنگدستی و رنج روزگار او را به کوبیدن درهای خلق خدا و خواهش و التماس از این و آن و می‌دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِفْتَقَرَ»^۱ فردی که از

سراب می‌رسند و گمشده خود را نخواهند یافت. از همین رو، توکل بر خدا باعث افزایش روزی و توکل بر خلق خدا، سبب کاهش آن خواهد شد. امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَغْتَصِمُ بِمَخْلُوقٍ دُونِي إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ وَأَسْبَابَ الْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ وَمَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَغْتَصِمُ بِي دُونَ خَلْقِي، إِلَّا ضَمِنْتُ أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رِزْقَهُ، فَإِنْ دَعَانِي أُجِبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ وَإِنْ اسْتَفْتَرَ عَفَرْتُ لَهُ»^۲ خداوند عز و جل می‌فرماید: هر کس که نه بر من، بلکه بر مخلوق من تکیه کند، اسباب آسمانها و زمین را برای او قطع می‌کنم. پس اگر از من چیزی بخواهد به او نمی‌بخشم و اگر مرا بخواند پاسخش را نمی‌دهم و هر کس که نه بر بنده من، بلکه بر خود من تکیه کند، اسباب آسمانها و زمین را پشتوانه رزق او قرار می‌دهم. پس اگر مرا بخواند پاسخش می‌دهم و اگر از من چیزی بخواهد، به او عطا می‌کنم و اگر از من پوزش بخواهد، از او درگذرم»

۱. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن ابی حسن دیلمی، قم، مؤسسه آل‌البیت، بی‌تا، ص ۲۱۳.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسه

شما رسد، به سبب اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند.»

از همین رو است که تنگی در رزق و روزی، یکی از کفاره‌های گناهان و شرط ورود به بهشت دانسته شده است. رسول حق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل

می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَا مِنْ عَبْدٍ أُرِيدُ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا ابْتَلَيْتُهُ فِي جَسَدِهِ. فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ وَالْأَضْيَقْتُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ وَالْأَشَدَّتْ عَلَيْهِ الْمَوْتُ حَتَّى يَأْتِنِي وَلَا ذَنْبَ لَهُ ثُمَّ أُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ»^۳ خداوند فرمود: هر بنده [گناه کاری] را که بخواهم به بهشت وارد

کنم، او را به مشکلات جسمانی دچار می‌کنم. اگر این مشکلات، کفاره گناهان او شدند [او را داخل بهشت کنم] وگرنه، رزق او را تنگ می‌سازم. اگر این تنگی و سختی در روزی، کفاره گناهان او شدند [او را داخل بهشت

فضل خدا درخواست نکند، به فقر دچار می‌شود» و امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسِهِ بِأَبَا مِنْ الْمَسْأَلَةِ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِأَبَا مِنَ الْفَقْرِ؛ اشخصی که بر روی خود در خواش از مردم را بگشاید، خداوند بر روی او، دری از فقر خواهد گشود.»

۴. گناه و نافرمانی

نافرمانی خداوند، رابطه خالق و مخلوق را تیره می‌کند و تغییر رفتار مخلوق، باعث تغییر نعمتهای الهی می‌شود و از آن مواهب می‌کاهد. شاید با این کیفر، بنده از تقصیر خود آگاه شود و عذر به درگاه خدا آورد.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «تَوَقَّوْا الدُّنُوبَ فَمَا بَلِيَّةٌ أَشَدُّ وَأَفْظَعُ مِنْهَا وَلَا يَحْرُمُ الرِّزْقُ إِلَّا بِذَنْبٍ حَتَّى الْخَذْيِ وَالتَّكْبِيَةِ وَالْمُصِيبَةِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»^۲ از گناهان دوری کنید که هیچ بلایی شدیدتر و زشت‌تر از آن نیست و رزق باز داشته نمی‌شود، مگر به دلیل انجام گناهی، حتی در حد ایجاد خراش و جراحت و ناراحتی [در دیگران]؛ چرا که خداوند فرمود: هر مصیبتی که به

الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۶، ص ۳۱۶.

۱. همان، ج ۱۰۳، ص ۲۰.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۱۴۷.

۳. معارج الیقین فی اصول الدین، محمد بن محمد سبزواری، تحقیق علاء آل جعفر، بی‌جا، مؤسسه آل‌البیت، اول، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۱۱.

می‌کنم] وگرنه، مرگ را بر او سخت می‌گیرم تا او بدون گناه، نزد من آید و سپس او را به بهشت داخل کنم.»

گسناهان بسیاری را می‌توان بر شمرد که موجب کاهش روزی انسان هستند. به عنوان نمونه به گناه بسیار زشت زنا اشاره‌ای می‌کنیم. همچنان‌که ازدواج و برقراری رابطه سالم و مشروع، باعث افزایش رزق و رفع تهیدستی می‌شود، عمل نامشروع و ناسالم زنا نیز باعث محروم شدن از نعمتها و الطاف الهی می‌شود. در

روایتی از رسول خدا ﷺ شش پیامد منفی در دنیا و آخرت برای عمل پلید زنا، شمارش شده است:

«إِبَائِكُمْ وَالزَّوْنَا فَإِنَّ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ، فَأَمَّا اللُّوَاتِي فِي الدُّنْيَا: فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالنَّبَهَاءِ وَيَقْطَعُ الرِّزْقَ مِنَ السَّمَاءِ وَيَعْجَلُ النِّقْضَاءَ وَأَمَّا اللُّوَاتِي فِي الْآخِرَةِ: فَسَوْءُ الْحِسَابِ وَسَخَطُ الرَّبِّ وَخُلُودُ النَّارِ»^۱ از زنا بر حذر باشید که شش ویژگی [منفی] دارد: سه مورد در دنیا و سه مورد در آخرت؛ اما پیامدهای

دنمایی آن: آبروی انسان را می‌برد، رزق را از آسمان قطع و مرگ را نزدیک

۱. همان، ص ۴۰۸.

۲. انفال/۵۳؛ این برای آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد، جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند.

جلب رحمت و محبت خداوند، محبوبیت بین مردم، افزایش رزق و برکت در زندگی خواهد شد، اخلاق بد نیز سبب ناخشنودی خداوند، ناخرسندی مردم و بی برکتی در زندگی می شود. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ ضَاعَ رِزْقُهُ»^۳ هرکس بد اخلاق باشد، رزقش تنگ می شود.»

و بنا بر روایتی دیگر: «مَنْ فَحَشَ عَلَىٰ أَحِبِّهِ الْمُسْلِمِ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَةَ رِزْقِهِ وَوَكَّلَهُ إِلَىٰ نَفْسِهِ وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ»^۴ هرکس به برادر مسلمانش فحاشی کند، خداوند برکت روزیش را از او بر می دارد و او را به خودش وامی گذارد و زندگی را تباه می کند.»

۴. اسراف در مصرف و انفاق

میان روی و مشی معتدل در تمام ابعاد زندگی، از جمله ویژگیهای مؤمنان خردمند است. در نقطه مقابل

صادق علیه السلام، عمل شنیع زنا باعث «محبوس شدن رزق»^۱ است. «وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَحْبِسُ الرِّزْقَ الزُّنَا؛ [از] گناهانی که باعث محبوس شدن روزی می شود، زنا است.» بر اساس این روایت نیز روزی افراد بر اثر بدکرداری، نابود نمی شود؛ بلکه محبوس و زندانی می گردد. کلید این زندان نیز به دست انسان است تا با تجدید نظر در رفتار خویشتن، و برداشتن موانع، جوی روزی خویش را به جریان اندازد و درخت زندگی اش را از آن سیراب کند. گناه دیگری که موجب کاهش ورزی است، خیانت در امانت می باشد.

همچنان که امانتداری و حفظ

حرمت مال مردم، سبب افزایش رزق است، خیانت در امانت و بی حرمتی به مال مردم، باعث کاهش نعمت خواهد شد. پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الْغِنَاءَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ»^۲ امانتداری باعث بی نیازی و خیانت [در امانت]، سبب فقر می شود.»

۵. اخلاق بد

همچنان که اخلاق خوب، باعث

۱. اختصاص، شیخ مفید، تحقیق علی اکبر

غفاری، قم، جامعه مدرسین، بی تا، ص ۲۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص.

۴. کافی، ج ۲، ص ۳۲۶.

از رُزْقِنِي. قِيَالُ لَهُ: أَلَمْ أَرْزُقْكَ...؟^۲ دعای سه گروه مستجاب نمی شود: کسی که خداوند به او ثروتی روزی کرده است؛ اما آن را در غیر جای خود انفاق می کند. سپس دعا می کند: خدایا! رزق مرا برسان. پس به او خطاب شود: آیا به تو روزی ندادم؟!...»^۳

روایتی مشابه، دعای گروهی را مردود می داند که بر اثر میانه روی نکردن در مصرف، مال خود را تباه کرده و سپس جبران آن را خواهان اند.^۳

۷. شرم ناروا

لازمه کار تجاری و اقتصادی، قدرت چانه زنی و صراحت لهجه است. فروشنده یا خریداری که چنین نباشد یا به دلیل کم رویی و یا احترام

تندروی یا کندروی، افراط یا تفریط و اسراف یا بخل ورزیدن از ویژگیهای نابخردان به شمار می رود.

اسراف و تندروی در هر زمینه ای، حتی در صفات پسندیده، ناپسند است. انفاق و بخشش مال نیز از این قاعده، مستثنی نیست. قرآن کریم ضمن آنکه مؤمنان را به انفاق مالشان توصیه می کند، آنان را از این برحذر داشته است که خود را بر اثر زیاده روی در بخشش مال به گرفتاری بیندازند: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّخْسُورًا﴾^۱ «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن [و ترک انفاق و بخشش منما] و بیش از حد [نیز] دست خود را مگشای تا سرزنش شوی و از کار فرو مانی.»

چنانچه فردی به سبب افراط و اسراف، ثروت خود را از دست دهد و دچار مشکل شود، چاره ای ندارد و ثروت از دست رفته را با «دعا و نیایش» نمی توان باز گرداند؛ چرا که خود کرده را تدبیر نیست:

﴿ثَلَاثَةٌ تَرُدُّ عَلَيْهِمْ دَعْوَاهُمْ: رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا فَانْفَقَهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا رَبِّ

۱. اسراء/ ۲۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۱۱.

۳. همان، ج ۴، ص ۵۶: امام صادق عليه السلام می فرماید: «أَرْبَعَةٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ: أَخَذَهُمْ كَانٌ لَهُ مَالٌ فَأَنْفَقَهُ قَبْلَ أَنْ يَقُولَ: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي. فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: أَلَمْ أَرْزُقْكَ بِالْأَقْبَصَاءِ...؟ چهار گروه هستند که دعایشان استجاب نمی شود: یکی از آنها کسی است که ثروتی دارد و آن را [در اثر اسراف و تبذیر] تباه می کند و سپس می گوید: خدایا! روزی مرا برسان. پس خداوند عزیز و جلیل می فرماید: آیا تو را امر به میانه روی [در معیشت] نکردم؟!...»

۸. سایر عوامل

در پایان این بحث، به ذکر دو روایت جامع در این زمینه می‌پردازیم که شماری از عوامل کاهش رزق را بیان کرده‌اند. شماری از این عوامل، در ضمن مباحث گذشته بیان شده است؛ اما شمار دیگری از آنها ناگفته مانده است.

۱. امام علی علیه السلام چنین فرموده است: «تَرَكَ نَسِجَ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَالنُّبُولَ فِي الْحَمَامِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَالْأَكْلَ عَلَى الْجِنَابَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَالنَّخْلَ بِالطَّرْقَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَالسَّمِطُ مِنْ قِيَامِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَتَرَكَ الْقَمَامَةَ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَالْبَيْمِينَ الْفَاجِرَةَ تُورِثُ الْفَقْرَ، وَالرِّثَا يُورِثُ الْفَقْرَ، وَأَظْهَارُ الْحَرِصِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَالنُّوْمُ بَيْنَ الْعِشَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَالنُّوْمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَتَرَكَ التَّقْدِيرَ فِي الْمَعِيَسَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَقَطِيعَةُ الرَّحِمِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَاعْتِيَاذُ الْكِذْبِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَكَثْرَةُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَرَدُّ السَّائِلِ

گذاشتن بیش از حد، از بیان قیمت مطلوب خویش، خودداری کند، و یا به نسبه‌فروشی روی آورد و یا اینکه کالا را به هر قیمتی - ولو گزاف - ارائه کردند، بخرد، رفته رفته از درآمدش کاسته خواهد شد و مخارج او بر درآمدهایش غلبه خواهد کرد. این همه، در شرمهای نابجا و قرار گرفتن در محظورات اخلاقی، ریشه دارد.

راه چاره، آن است که در تبعیت از سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که گفتار و رفتار خود را بدون تکلف و مشقت انجام می‌داد، مسلمانان نیز در بازار کار، ضمن برخورداری از ارزشهای دینی و اخلاقی، از افراط در نگاه‌داشتن حرمت‌های اخلاقی بپرهیزند و به صورت صریح و شفاف، مطالبات اقتصادی خود را بیان کنند.

از همین رو است که در فرهنگ دینی ما، حیای بی‌جا یکی از عوامل کاهش رزق معرفی شده است. امام علی علیه السلام می‌فرمودند: «الْحَيَاءُ يَمْنَعُ الرِّزْقَ»^۱ حیای [نابجا] از رزق جلوگیری می‌کند.

۱. غرر الحکم و دررالکلم، آمدی، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، تهران، بی تا، هشتم، بی تا.

وَسِرَاءِ الْخُبْرِ مِنَ الْفُقَرَاءِ، وَاللَّغْنُ عَلَى الْأَوْلَادِ،
وَالْكَذْبُ، وَخِيَاطَةُ الثُّوبِ عَلَى الْبَدَنِ،
وَإِطْفَاءُ السَّرَاجِ بِالنَّفْسِ؛^۱ بیست خصلت،
باعث تنگدستی می شود: عریان
برخاستن از رختخواب برای رفتن به
دستشویی، خوردن در حال جنابت،
نشستن دستها هنگام خوردن،
بی‌اعتنایی به نان ریزه، سوزاندن سیر و
پیاز، نشستن در آستانه در، جاروب
کردن منزل در شب و به وسیله لباس،
شستن بدن در توالت، کشیدن حوله و
آستین جامه بر اعضای شسته شده،
نشسته ماندن ظروف، رو باز بودن
ظروف آب، رها کردن تار عنکبوت در
منزل، سبک شمردن نماز، زود خارج
شدن از مسجد، صبح زود به بازار رفتن
و دیر باز گشتن از آن تا هنگام نماز
عشا، خریدن نان از فقرا، نفرین بر
فرزندان، دروغگویی، دوختن لباس
در حال بر تن داشتن آن، و خاموش
کردن چراغ با فوت.»

الدَّكْرُ بِاللَّيْلِ يُورِثُ الْفَقْرَ؛^۱ رها کردن تار
عنکبوت در منزل، بول کردن در حمام،
خوردن در حال جنابت، خلال کردن
دندان با شاخه درخت گز، شانه زدن در
حالت ایستاده، باقی گذاشتن خاکروبه
در خانه، قسم دروغ، زنا، اظهار
حرص، خوابیدن بین دو نماز مغرب و
عشا و قبل از طلوع خورشید، نداشتن
برنامه‌ریزی در زندگی، قطع ارتباط با
خویشاوندان، عادت به دروغگویی،
زیاد گوش دادن به غنا و رد کردن مرد
فقیر در شب، باعث فقر است.»

۲. خاتم انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:
«عَشْرُونَ خَصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ أَوْلَاهَا الْقِيَامُ مِنَ
الْفِرَاشِ لِلتُّبُولِ عُزَيَاتَانَا، وَالْأَكْلُ جُنُبًا، وَتَرْكُ
غَسْلِ الْيَدَيْنِ عِنْدَ الْأَكْلِ، وَهَائِثَةُ الْكَسْرَةِ مِنَ
الْخُبْرِ، وَإِحْرَاقُ النَّوْمِ وَالْبَصَلِ، وَالْقَعُودُ عَلَى
أَسْكِنَةِ النَّبِيِّ، وَكُنْسُ النَّبِيِّ بِاللَّيْلِ وَالثُّوبِ،
وَعَسَلُ الْأَعْضَاءِ فِي مَوْضِعِ الْإِسْتِنْجَاءِ، وَمَسْحُ
الْأَعْضَاءِ الْمَغْسُولَةِ بِالْمِنْدِيلِ وَالْحَمِّ، وَوَضْعُ
الْفِصَاعِ وَالْأَوَانِي غَيْرِ مَغْسُولَةٍ، وَوَضْعُ أَوَانِي
الْمَاءِ غَيْرِ مَغْطَاةِ الرَّؤُوسِ، وَتَرْكُ بُيُوتِ
الْعَنْكَبُوتِ فِي الْمَنْزِلِ، وَالْإِسْتِحْفَافُ بِالصَّلَاةِ،
وَتَعْجِيلُ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَالْبُكُورُ إِلَى
السُّوقِ، وَتَأْخِيرُ الرَّجُوعِ عَنَّا إِلَى الْعِشَاءِ،

۱. خصال، ص ۵۰۴.

۲. معارج الیقین فی اصول الدین، ص ۳۴۳.